

گزارشی از مراسم یادمان سالگرد فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ و تابستان ۶۷ - واشنگتن دی سی

سارا نیکو

سه شنبه دوم مهر ۱۳۸۷

در روز یکشنبه چهاردهم سپتامبر ۲۰۰۸، مراسم با شکوهی در گرامیداشت یاد و خاطره هزاران زندانی سیاسی که در تابستان سال ۶۷ به دست جنایتکاران حاکم بر ایران به قتل رسیدند در واشنگتن دی سی برگزار شد. مراسم بیستمین سالگرد این جنایت بزرگ با کوشش جمعی از بازماندگان زندانیان سیاسی سابق مقیم واشنگتن و حومه، فعالین سیاسی اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن و فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در واشنگتن برگزار گردید و بیش از ۲۰۰ نفر از ایرانیان ساکن این منطقه در آن شرکت نمودند.

جهت زنده کردن هرچه بیشتر ابعاد این جنایت بی سابقه، برنامه باخاموش کردن چراغهای سالن آغاز شد. بر روی صحنه کم نور، زندانی سیاسی زنی در یک سلول انفرادی به شمردن تیر های خلاص اعدام شدگان می پردازد. اسیری که در غم از دست دادن هم رزمانش با صدایی رسا، فریاد بسته شده درگلی هزاران جانباخته راه آزادی و سوسیالیسم را با خواندن سرود زیرسر میدهد: "باز این دژخیم پلید از گلستان خلق گلهائی تازه رس از هراسش ربود آن ها رفتند و لیکن از هر قطره خون در بستان رزم خلق زان پس تا کنون هزاران گل شکفت..."

در جهان به از این راهی بهر ما نیست راه ما جز ره خلق چیست؟"

به دنبال آن، مجری برنامه چنین آغاز کرد: "آنان، به نابودی ستم برخاستند، زیرا که نان و آزادی را برای همه می خواستند. وقتی سراغ دختران و پسران، خواهران و برادران، مادران و پدران، همسران و فرزندان دستگیر شده خود را گرفتیم، آنها بیشرمانه اظهار بی اطلاعی کردند!

اما چند سال بعد، وقتی که دختران و پسران، خواهران و برادران، مادران و پدران، همسران و فرزندان مان را یا به طناب دار آویختند و یا سینه های ملامال از عشقشان را با گلوله های سربی شکافتند، آن گاه، ساک لباس و وسایل آنها را و قیحانه به ما پس دادند! آنها حتی محل دفن عزیزان مان را مودنیانه از مامخی نگاه داشتند! مبادا که گورهای شان، میعادگاه همه عاشقان زندگی گردد!

آنان که عاشق ترین عاشقان را دست بسته، پا بسته، چشم بسته، هم چون غنچه های "نا شکفته" پر پر کردند...

آنان که هزاران دختر و پسر جوان را در "بی دادگاه" های چند دقیقه ای خود محکوم به اعدام نمودند و به جوخه های مرگ سپردند... آنان که هزاران زن و مرد مبارز و آزادیخواه را در زندان ها، بعد از شکنجه های طاقت فرسا، تیرباران و یا به دار آویختند... آنان که سرکوب و شکنجه، رعب و وحشت را ضامن بقای حکومت ننگین و نکبت بار خود می دانند... آنان که می خواهند کشتار هزاران زن و مرد آزادیخواه و سوسیالیست، در دهه خون بار ۶۰ به فراموشی سپرده شود، باید بدانند که:

دختران و پسران، خواهران و برادران، مادران و پدران، همسران و فرزندان توده های مردمی که عزیزان شان را

در زندان های حاکمان جنایت کار جمهوری اسلامی از دست داده اند ، هرگز آن جنایات را فراموش نخواهند کرد و مسببین و عاملان آن کشتار ها را نخواهند بخشید!

آنان که امید واهی دارند که با گذشت زمان ، خاطره این قتل عام ها در حافظه مردم ما کم رنگ و کم رنگ تر شده تا نهایتاً محو شود باید بدانند که ما این جنایات را نه فراموش میکنیم و نه می بخشیم و ایمان داریم به روزی که همه مسببین و عاملان آن کشتار ها در دادگاه های خلق محاکمه شوند."

آنگاه بعد از یک دقیقه سکوت ایستاده، پیام کمیته برگزارکننده خوانده شد.

در این پیام ماهیت سرکوب گر جمهوری اسلامی از همان بدو پیدایشش بازگو شد و در مورد همه مرتجعین حکومتی که قصد دارند این فاجعه را از اذهان عمومی پاک کنند، قاطعانه گفته شد:



"چشم های شان را بستند، قلبهای شان را با تیرهای زهر آلود شکافتند، خون شان را ریختند، اندام های سترگ شان را در گور های دسته جمعی بی نشان به خاک سپردند، اما، نامها و خاطره هایشان علیرغم تمام ترفند های ارتجاعی در پهنه تاریخ برای همیشه جاودان خواهد ماند.

آمران و عاملان کشتارهای ۶۰ و ۶۷ و شکنجه گران رژیم جمهوری

ایران را، باید به مردم جهان بویژه کارگران و نهادهای کارگری معرفی و شناساند. چراکه همه این جنایتکاران چه مرده و چه زنده باید به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاههای مردمی و علنی محاکمه شوند و به سزای جنایات خود برسند.

محاکمه و مجازات این جانی ها به مثابه اجرای عدالت اجتماعی و اعلان این موضع است که مردم ایران بویژه زحمتکشانش هرگز قاتلان فرزندان قهرمان خود را نه می بخشند و نه خاطره این جنایت هولناک را فراموش میکنند...

امروز بعد از گذشت بیست سال از کشتار ۶۷ برای مردم ایران روشن شده است که امپریالیستها بویژه امپریالیسم آمریکا امکان نداشت از محاکمات یک دقیقه ای و دار زدن ها، تیر باران ، و اعدام های هزاران نفر از مخالفین سیاسی، دانشجویان مبارز، شعرا و نویسندگان و هنرمندان متعهد ایران که در فاصله چند شبانه روز اعدام شدند بی اطلاع باشند.

بدون شک امپریالیستها از وقوع این جنایت مطلع بودند ولی چون منافع شان ایجاب میکرد در مقابل این فاجعه سکوت کردند." پس از اتمام پیام کمیته برگزار کننده، محمد هُشی از بازماندگان کشتار های زندانیان سیاسی سال ۶۷ سخنرانی

خود را آغاز کرد. محمد با شرح گوشه هایی از دستگیری خود در سن هفده سالگی و بیان شمای کوچکی از آنچه در سیاه چال های جمهوری اسلامی بر وی و دوستانش رفته بود حضار را به آن دوران و درون زندان های مخوف

اصفهان و اوین برد. وی تاکید کرد که این رژیم هیچ گاه قابلیت "استحاله" شدن را نداشته و ندارد و برای رسیدن به جامعه ای آزاد و آباد که در آن هیچ کس به خاطر دگر اندیشی سرکوب نشود و در آن اثری از شکنجه و زندان نباشد ،

این رژیم می بایست بدست مردم ایران سرنگون گردد. در این انقلاب نقشی برای گنجی ها، حجاریان ها، سازگارا ها، این سران تشکیل دهنده سپاه و وزارت اطلاعات که در سرکوب توده های مردم شرکت داشته اند و امروزه برای

کسانی که به دست خود به قتل رسانده اند، اشک تمساح می ریزند جایی نیست. هُشی بر خلاف کسانی که نا امیدوارانه مبلغ شکست و پاسیفیسم هستند، مقاومت زندانیان سیاسی را شکست رژیم قلمداد کرد و گفت اگر می بینیم که این رژیم

بعد از این همه سرکوب و ارباب کماکان در مقابله با جنبش های وسیع اجتماعی وحشیانه عمل می کند، این نشان از

ضعف او دارد. وی همچنین به نقش مهم ایرانیان و اپوزسیون برون از مرز اشاره کرد که رژیم با ترفند صدور "تواین" به خارج از کشور، سعی بر نفوذ و به بیراهه کشاندن مبارزات در خارج از کشور را دارد.

بعد از سخنرانی محمد هُشی، گیسو شاکری هنرمند معترض تبعیدی با صدای گرم خود، برنامه اش را با ترانه "باطل السحر" آغاز کرد و در ادامه، شعر زیبایی که از سروده های خود اوست را خواند. این شعر حکایت از عمق این فاجعه تاریخی دارد. وی اظهار داشت:

"من زندانی سیاسی نبوده ام! دختر من زندانی سیاسی نبوده است. مادرم در زندان به سرنبرده است. برادرم شکنجه ندیده است. خواهرم به چوبه های اعدام سپرده نشده است. اما من شاهد عمق فاجعه ای خونین بوده ام. فاجعه ای که در آن یک نسل قتل عام شد...".

بعد از آن، گیسو بخش اول برنامه خود را با ترانه "نام، چو جاوید شد" که بیاد و خاطره ی جان باختگان راه آزادی تابستان ۶۷ سروده شده است را اجرا کرد که شدیداً مورد استقبال حضار قرار گرفت.



در آخر بخش اول برنامه، حسین افصحی، کارگردان تئاتر و نمایشنامه نویس، یکی از نمایش های خود را که از زبان یک زندانی سیاسی نوشته شده بود، روخوانی کرد.

بعد از اتمام تنفسی کوتاه، گیسو شاکری بخش دوم برنامه هنری خود را همراه با هنرمندی دو تن از نوازندگان جوان و پر شور مقیم واشنگتن با ترانه هایی بسیار زیبا و دلنشین با مضمون

غنی مبارزاتی، شروع کرد که مورد تحسین و توجه حاضران در سالن قرار گرفت.

در آخرین قسمت برنامه، ویدئویی به نام "بازجوی عزیز" با هنرمندی حسین افصحی و هادی خرسندی به نمایش گذاشته شد و سرانجام، برنامه یادمان بیستمین سالگرد فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی در حالیکه مورد توجه و تشویق شرکت کنندگان قرار گرفته بود به پایان رسید.

بدون شک این مراسم همچون خاری بود در چشم همه مرتجعین رژیم منفور جمهوری اسلامی که ردیلانه با ترفند ها و نیرنگ های مختلف، این روز ها تلاش می کنند که با ایجاد برنامه هنری ضرب العجل، هم تاریخ و هم زمان با مراسم یادمان کشتار زندانیان سیاسی اعلام شده در کشور های مختلف دنیا، به زعم خود از حضور ایرانیانی که به خاطر فشار های سیاسی و یا اقتصادی - اجتماعی از کشور خود رانده شده اند، جلوگیری کرده باشند و از این طریق، نفرت و کینه مردم آزادیخواه خارج از کشور را نسبت به خود کاهش دهند. آن ها می کوشند شاید ابعاد عظیم فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی در دهه خون بار ۶۰ کم رنگ و کم رنگ تر شوند. زهی خیال باطل! چرا که این وظیفه اخلاقی و اجتماعی فرد ماست که با شرکت خود در این گونه یادمان ها، اجازه ندهیم بر خون ریخته شده آن عزیزان سرپوشی گذاشته شده و جانفشانی آن همه مبارزان زن و مرد به دست فراموشی سپرده شود.

سارا نیکو- ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۸